

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

حضرت امام صادق علیه السلام

صاحب حق و دانای حقایق

۱ آبان ۱۳۸۷

۲۲ شوال ۱۴۲۹

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است



« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

چکیده سخن؛

گفتار در مورد عدالت صحابه به اموری منتهی شد که از سوی دانشمندان اهل سنت به عنوان فضایل خلفا مطرح می‌شود. در چند جلسه گذشته سخن در مورد فتوحات بود که آیا این جنگ‌ها فضیلتِ خلفا محسوب نمی‌شود تا در ادامه بتوانیم برای اثبات عدالت آنها از این امتیاز به عنوان استدلال استفاده کنیم؟ در ادامه به این شبهه پاسخ دادیم که اگر این فتوحات فضیلت نیست و کار حسن و پسندیده‌ای نبوده و حتی مذموم می‌باشد چرا امیرالمؤمنین علیه السلام با آنها همکاری کرد؟ از طرفی بعضی کم ادراکان شیعه، عملِ مقامِ عصمت علیه السلام را مورد سؤال بردند و گفتند اگر کار خلفاء مذموم بود چرا امیرالمؤمنین علیه السلام حاضر شدند به آنها مشاوره بدهند؟! مگر غیر از این بود که آنان غاصب بودند؟ اگر چنین است خدمت به آنها چه معنایی دارد؟

در جواب این سؤال ما روایات نورانی را مطرح کردیم. آخرین روایتی که مطرح شد روایت ابی عمرو الزبیری بود. یکی از زیبایی‌های این روایت در این است که آیات نورانی قرآن کریم را در خود جای داده است.

در ادامه روایت جلسه گذشته، راوی از دعوت به خداوند و جهاد در راهش و ویژگی عاملان به آن سؤال کرد. حضرت امام صادق علیه السلام در جواب گروهی را ذکر فرمودند و برای آنان صفاتی را ترسیم نمودند. در ادامه بیان صفات آنان می‌فرمایند:

«وقال في صفتهم: ﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ﴾^(۱) و ذكر الآيتين ثم أخبر: ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ﴾^(۲). ثم ذكر وفاءهم له بعهدته ومبايعته فقال: ﴿وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾^(۳). فلما نزلت هذه الآية: ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ﴾ قام رجل إلى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فقال: أرايتك يا نبي الله الرجل يأخذ سيفه فيقاتل حتى يقتل إلا أنه يقترب من هذه المحارم، أشهيد هو؟ فأنزل الله عز وجل على رسوله: ﴿التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾^(۴). وقال: التائبون من الذنوب، العابدون الذين لا يعبدون إلا الله ولا يشركون به شيئاً الحامدون الذين يحمدون الله على كل حال في الشدة والرخاء السائحون وهم الصائمون الراكعون الساجدون وهم الذين يواظبون على الصلوات

۱-سوره فرقان، آيه ۶۸.

۲-سوره توبه، آيه ۱۱۱.

۳-سوره توبه، آيه ۱۱۱.

۴-سوره توبه، آيه ۱۱۲.

الخمس والحافظون لها والمحافظون عليها في ركوعها وسجودها وفي الخشوع فيها وفي أوقاتها. الأمر بالمعروف بعد ذلك والعاملون به والناهون عن المنكر والمنتهون عنه. قال: فبشّر من قتل وهو قائم بهذه الشروط بالشهادة والجنة ثم أخبر تبارك وتعالى أنّه لم يأمر بالقتال إلا أصحاب هذه الشروط فقال عزّ وجل: ﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾^(۱)؛

در وصف آنها خداوند فرمود: «کسانی که معبود دیگری را با خداوند نمی خوانند» سپس دو آیه بعد را ذکر کردند و خبر دادند: «خداوند از مؤمنان جانها و اموالشان را خریداری کرده که در برابرش بهشت برای آنان باشد به این گونه که در راه خدا پیکار می کنند می کشند و کشته می شوند این وعده حقی است بر او که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده» سپس وفای به عهد و معامله ایشان را با خدا یاد آور شدند و فرمودند: «و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است اکنون بشارت باد بر شما به داد و ستدی که با خدا کرده اید و این است آن پیروزی بزرگ». پس هنگامی که این آیه نازل شد مردی نزد رسول خدا ﷺ رفت و گفت: به نظر شما ای نبی خدا! آیا مردی که شمشیر زد و از کفار کشت تا کشته شد و فقط جرعه ای از محارم [شراب] نوشیده باشد شهید است؟ پس خداوند بر پیامبر ﷺ چنین نازل کرد: «توبه کنندگان، عبادت کنندگان، سپاس گویان، سیاحت کنندگان، رکوع کنندگان، سجده آوران، آمران به معروف، نهی

کنندگان از منکر و حافظان حدود و مرزهای الهی مؤمنان حقیقی اند و بشارت ده بر این چنین مؤمنان» و (در تفسیر آیه) فرمودند: توبه کنندگان از گناهان و عابدانی که جز خدا را نمی‌پرستند و بر او شرک نمی‌ورزند، حمد کنندگانی که در سختی و راحتی خدا را سپاس می‌گویند، سیاحت کنندگانی که در حال روزه، سجده و رکوع می‌کنند و بر نمازهای پنج‌گانه مواظبت دارند و در رکوع و سجود آن و خشوع در آن مراقبند و آمران به معروف و عاملان به آن ناهیان از منکر و تارکان آن. امام علیه السلام فرمودند: به کسی که کشته شود و این شرایط را داشته باشد بشارت ده به شهادت و بهشت. سپس خداوند خبر داده است که کسی به قتال امر نمی‌کند مگر که دارای این شرایط باشد. خداوند می‌فرماید: به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده اجازه جهاد داده شده چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند و خدا بر یاری آنها توانا است.

«وَأَمَّا أَذُنُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ قَامُوا بِشُرَائِطِ الْإِيمَانِ الَّتِي وَصَفْنَاهَا وَذَلِكَ أَنَّهُ لَا يَكُونُ مَأْذُونًا لَهُ فِي الْقِتَالِ حَتَّى يَكُونَ مَظْلُومًا وَلَا يَكُونُ مَظْلُومًا حَتَّى يَكُونَ مُؤْمِنًا. وَلَا يَكُونُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ قَائِمًا بِشُرَائِطِ الْإِيمَانِ الَّتِي اشْتَرَطَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُجَاهِدِينَ، فَإِذَا تَكَامَلَتْ فِيهِ شُرَائِطُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ كَانَ مُؤْمِنًا وَإِذَا كَانَ مُؤْمِنًا كَانَ مَظْلُومًا وَإِذَا كَانَ مَظْلُومًا كَانَ مَأْذُونًا لَهُ فِي الْجِهَادِ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ مُسْتَكْمَلًا لِشُرَائِطِ الْإِيمَانِ فَهُوَ ظَالِمٌ وَمَمَّنٌ يَنْبَغِي وَيَجِبُ جِهَادُهُ»^(۱).

۱- وسائل الشیعة، جلد ۱۵ صفحه ۳۶.

و این فقط اجازه‌ای برای مؤمنینی است که به شرایط ایمان که آنها را توصیف کردیم قیام کرده باشند و همچنین کسی اجازه جنگ ندارد تا زمانی که مورد ظلم واقع نشده باشد و کسی مظلوم نیست مگر اینکه مؤمن باشد و کسی مؤمن نیست مگر اینکه شرایط ایمان را که خداوند در مورد مؤمنان و مجاهدان معین کرده داشته باشد. پس اگر این شرایط کامل شد مؤمن است و چون مؤمن بود مظلوم است و چون مظلوم شد برای او اجازه جهاد صادر می‌شود. و اگر دارای همه شرایط ایمان نباشد او ستمگر است و سزاوار و واجب است که علیه او جهاد شود.

روایتی دیگر؛

«عبدالکریم بن عتبه عن رسول الله ﷺ قال ﷺ: من ضرب الناس بسيفه ودعاهم إلى نفسه وفي المسلمين من هو أعلم منه فهو ضالّ متكلف»^(۱).

عبدالکریم بن عتبه از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند که فرمود: کسی که به سوی مردم شمشیر بکشد و آنها را به سوی خود بخواند در حالی که اعلم از او در بین مسلمین وجود داشته باشد او گمراه و سربرار است.

روایتی دیگر؛

عن أبي بصير عن أبي عبد الله عن آبائه عليهم السلام قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام: لا يخرج المسلم في الجهاد مع من لا يؤمن على الحكم ولا ينفذ في الفئ

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۵ صفحه ۴۲.

أمر الله عزّوجلّ فإِنَّه إن مات في ذلك المكان كان معينا لعدوّنا في حبس
حَقْنَا والإِشَاطَة بدمائنا وميتته ميتة الجاهليّة»^(۱).

ابی بصیر از امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانشان علیهم السلام نقل می کند که فرمودند: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: مسلمان هرگز با کسی که به حکم [خدا] ایمان ندارد و در انفال امر خدا را اجرا نمی کند به جهاد نمی رود. پس مسلمان اگر در چنین حالتی بمیرد، دشمن ما را در راه حبس حق ما و هدر دادن خون ما یاری نموده است و مرگ او مرگ جاهلیت خواهد بود.

نتیجه پایانی این روایات؛

طبق منبای فکری تربیت یافتگان مکتب اهل بیت علیهم السلام، محال است که امام معصومی با حاکم غاصب و ظالم همکاری و همراهی داشته باشد؛ لذا در بحث های گذشته به اثبات رساندیم که نه خود امیرالمؤمنین علیه السلام و نه هیچ یک از فرزندان ایشان هیچ گونه همکاری با خلفا نداشتند و در هیچ یک از این جنگها شرکت نکردند. آیا امیرالمؤمنین علیه السلام ضعیف و ناتوان بودند یا به علت کهولت سن در جنگ شرکت نکردند؟ مطمئناً تمام اینها منتفی است. تنها دلیل عدم حضور حضرت علیه السلام در جنگ این بود که ایشان برای فرماندهان جنگهای مذکور مشروعیتی قائل نبودند. تنها اثری که از حضرت علیه السلام در جنگها دیده می شود تعدادی از صحابه هستند که به دستور حضرت علیه السلام با سپاه مسلمین همراه شدند تا کلام و افکار امیرالمؤمنین علیه السلام را به مردم سرزمینهای مفتوح برسانند تا مردم تنها کلام خلفا غاصب را فرا نگیرند.

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۵ صفحه ۴۹ و النخصال، صفحه ۶۲۵.

نکاتی چند به مناسبت ایام شهادت امام صادق علیه السلام؛

برخی از ما شیعیان به گمان نادرست خویش چنین می‌پنداریم که از این امام بزرگوار علیه السلام شناخت کافی داریم. تنها چیزی که ما از ایشان می‌دانیم این است که رئیس مذهب شیعه می‌باشند. ولی آیا می‌دانیم که امام علیه السلام با چه سختی و مشقتی دین را زنده کردند و قوام بخشیدند؟ آن هم در زمانی که دین گرفتار فراموشی و نسیان شده بود. با تَوَرَّق در کتب فقهی در می‌یابیم که احادیث فقهی منقول از سید الشهداء و امام مجتبی علیه السلام بسیار نادر است و یا اصلاً موجود نیست و این روند تا اواخر عمر مبارک امام باقر علیه السلام ادامه داشت حال اینکه چگونه امام صادق علیه السلام دین را زنده کردند، سؤال قابل دقت است. امام صادق علیه السلام را باید از دید مخالفین ایشان شناخت.

اقوال مخالفین امام علیه السلام در مورد فضیلت ایشان؛

۱ - منصور دوانیقی؛

«إِنَّ جَعْفَرًا كَانَ مَمَّنَ قَالَ اللَّهُ فِيهِ ﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا﴾^(۱) وَكَانَ مَمَّنَ اصْطَفَاهُ اللَّهُ وَكَانَ مِنَ السَّابِقِينَ فِي الْخَيْرَاتِ وَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ إِلَّا وَفِيهِ مَحَدَّثٌ وَإِنَّ جَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ مَحَدَّثَنَا الْيَوْمَ»^(۲).

[امام] صادق علیه السلام [از کسانی است که خدا در مورد او فرموده است «سپس این کتاب آسمانی را به بندگان برگزیده خود به میراث دادیم»

۱- سوره فاطر، آیه ۳۲.

۲- تاریخ یعقوبی، جلد ۲ صفحه ۳۸۳.

و او از برگزیدگان خداوند و از پیشگامان خیرات است و در میان اهل بیت همیشه محدّثی بوده و جعفر بن محمد علیه السلام امروز برای ما حدیث می‌گوید.

۲ - مالک بن انس؛

این شخص دشمنی عجیبی با اهل بیت علیهم السلام دارد. او یکی از فقهای چهارگانه اهل سنت است. منصور دوانیقی به او دستور داد در مقابل امام صادق علیه السلام کتابی در زمینه فقه برای مسلمانان تدوین کند. او کتابی نوشت و تمام تلاش خود را به کار گرفت و در آن کتاب حتی یک حدیث از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل نکرد. کتاب او ۲ جلد است و الموطأ نام دارد^(۱). اما همین شخص با چنین رویکردی توان پنهان کردن فضایل امام صادق علیه السلام را ندارد و می‌گوید:

«اختلفت إليه زماناً فما كنت أراه إلا على إحدى ثلاث خصال، إما مصلّ، وإما صائم، وإما يقرأ القرآن. وما رأته عين ولا سمعت اذن ولا خطر على قلب بشر أفضل من جعفر بن محمد الصادق علماً وعبادة وورعاً»^(۲).

زمان زیادی نزد او (امام صادق علیه السلام) رفت و آمد می‌کردم و او را جز در یکی از این سه حالت ندیدم؛ یا نماز می‌خواند یا روزه داشت و یا مشغول قرائت قرآن بود. هیچ چشمی با فصیلت تر از جعفر بن محمد

۱- البته تمام این دشمنی‌ها از روی جهالت بوده دقیقاً مانند رفتار عبدالله زبیر در مکه در زمان خلافت یزید بر علیه دستگاه حکومت قیام کرد و مکه را تسخیر کرد و حدود ۱ سال نماز جمعه را می‌خواند اما صلوات بر پیامبر و آل پیامبر را که جزء ارکان نماز جمعه می‌باشد ترک می‌کرد و وقتی از این ترک سؤال می‌شد می‌گفت می‌ترسم با این تعریف و تمجیدها فرزندان پیامبر مغرور و متکبر شوند. این نمونه کامل از جهالت می‌باشد.

۲- الخلاف، جلد ۱ صفحه ۳۳ و از منابع اهل سنت: تهذیب التهذیب، جلد ۲ صفحه ۸۹.

صادق [علیه السلام] در علم و عبادت و پرهیزکاری ندیده است و هیچ
گوشی مانند آن را نشنیده و تصوّر آن بر هیچ قلبی خطور نکرده است.

۳ - ابو حنیفه؛

« لَمَّا أَقْدَمَهُ الْمَنْصُورَ الْحَيْرَةَ بَعَثَ إِلَيَّ فَقَالَ: يَا أَبَا حَنِيفَةَ! إِنَّ النَّاسَ قَدْ فَتَنُوا
بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، فَهَيِّئْ لَنَا مِنْ مَسَائِلِكَ الصَّعَابِ، فَهَيَّاتُ لَهُ أَرْبَعِينَ
مَسْأَلَةً، ثُمَّ بَعَثَ إِلَيَّ الْمَنْصُورَ فَأَتَيْتَهُ، فَدَخَلْتُ وَجَعْفَرٌ جَالِسٌ عَنْ يَمِينِهِ فَلَمَّا
بَصُرْتُ بِهِمَا دَخَلَنِي لِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْهَيْبَةِ مَا لَمْ يَدْخُلْنِي لِلْمَنْصُورِ ثُمَّ
التَفْتُ إِلَى جَعْفَرٍ، فَقَالَ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! أَتَعْرِفُ هَذَا؟ قَالَ: نَعَمْ هَذَا أَبُو
حَنِيفَةَ، ثُمَّ أَتْبَعَهَا، قَدْ أَتَانَا، ثُمَّ قَالَ: يَا أَبَا حَنِيفَةَ هَاتِ مِنْ مَسَائِلِكَ فَاسْأَلْ
أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، فَابْتَدَأْتُ أَسْأَلُهُ، فَكَانَ يَقُولُ فِي الْمَسْأَلَةِ: أَنْتُمْ تَقُولُونَ فِيهَا كَذَا
وَكَذَا وَأَهْلُ الْمَدِينَةِ يَقُولُونَ كَذَا وَكَذَا وَنَحْنُ نَقُولُ كَذَا وَكَذَا، فَرَبَّمَا تَابِعْنَا،
وَرَبَّمَا تَابَعَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ، وَرَبَّمَا خَالَفْنَا مَعَ حَتَّى اتَّيْتُ عَلَى أَرْبَعِينَ مَسْأَلَةً،
مَا أَخْرَمَ فِيهَا مَسْأَلَةً، ثُمَّ يَقُولُ: أَبُو حَنِيفَةَ! أَلَيْسَ قَدْ رَوَيْنَا إِنْ أَعْلَمَ النَّاسُ،
أَعْلَمَ النَّاسُ بِالْاِخْتِلَافِ»^(۱).

زمانی که منصور گرفتار حیرت شد به دنبال من فرستاد و گفت: ای ابو
حنیفه! مردم به جعفر بن محمد [علیه السلام] رغبت پیدا کرده اند پس برای
ما از مسائل مشکلت [برای مناظره] آماده کن. پس من چهل مسأله
آماده کردم سپس منصور به دنبال من فرستاد. من داخل شدم در حالی
که [امام] جعفر در طرف راست او نشسته بود. چون به آن دو نگاه

۱ - شرح احقاق الحق، جلد ۲۸ صفحه ۴۴۲ و از منابع اهل سنت: تاریخ اسلام ذهبی، جلد ۹
صفحه ۹۰.

کردم از جعفر بن محمد علیه السلام هیبتی بر قلب من وارد شد که از منصور چنین هیبتی ندیده بودم. سپس منصور رو به [امام] جعفر کرد و گفت: ای ابا عبدالله! آیا این مرد را می‌شناسی؟ امام فرمودند: بله، او ابو حنیفه است و ادامه دادند: نزد ما آمده است. سپس منصور گفت: ای ابو حنیفه! مسائلت را بیاور و از ابا عبدالله علیه السلام سؤال کن. پس من سؤال را آغاز کردم. در هر مسأله‌ای ایشان می‌فرمودند: شما در این مسأله چنین می‌گویید و ما چنین می‌گوییم و اهل مدینه چنان می‌گویند. پس گاهی ما را متابعت می‌کرد و گاهی اهل مدینه را و چه بسا با هر دوی ما مخالفت می‌نمود. [امام علیه السلام اینگونه فرمود] تا چهل مسأله تمام شد و در هیچ مسأله‌ای درنماند، سپس فرمود: ابو حنیفه! آیا ما روایت نکردیم که داناترین مردم عالم‌ترین آنها به اختلافات است؟ شهرستانی در کتاب ملل و نحل از ابو حنیفه نقل می‌کند که ۲ سال خدمت امام صادق علیه السلام شاگردی کردم. وی می‌گوید:

«ولو لا الستتان لهلك النعمان»^(۱).

اگر این دو سال نبود نعمان [ابو حنیفه] هلاک می‌شد.

این گوشه‌ای از اعترافات کسانی بود که در ظاهر مسلمان بودند و ادعای دین و فقاقت داشتند. بهترین اعتراف در میان اعترافات، اعتراف فردی ملحد، کافر و مادی‌گرا به نام ابن ابی العوجاء می‌باشد، او چنین اظهار می‌دارد:

«ما هذا ببشر، وإن كان في الدنيا روحاني يتجسد إذا شاء ظاهراً و يتروح إذا شاء باطناً فهو هذا»^(۲).

۱- الخلاف، جلد ۱ صفحه ۳۳ و از منابع اهل سنت: التحفة الاثنی عشریة، صفحه ۸.

۲- کافی، جلد ۱ صفحه ۷۵، بحار الأنوار، جلد ۳ صفحه ۴۳.

این شخص [امام صادق علیه السلام] بشر نیست و اگر در دنیا فرد روحانی وجود داشته باشد که در جسد گنجیده است که اگر بخواهد ظاهر است و حرکت می کند و اگر بخواهد مخفی است، آن شخص این فرد [امام صادق علیه السلام] می باشد.

مؤلف کتاب ملل و نحل می گوید:

« ما تعرّض للإمامة قطّ ، ولا نازع في الخلافة أحداً ، ومن غرق في بحر المعرفة لم يقع في شطّ ومن تعلّى إلى ذروة الحقيقة لم يخف من حظّ»^(۱).
ایشان [امام صادق علیه السلام] خود را در معرض امامت قرار ندادند و برای به دست آوردن خلافت مسلمانان با کسی نزاع نکردند، آری کسی که در دریای معرفت غوطه ور است در نهر کوچکی قرار نمی گیرد و کسی که به بالاترین حقیقت دست یافته است، خطر سقوط و انحطاط او را تهدید نمی کند.

ترسیم موقعیت موجود در زمان امام صادق علیه السلام؛

یکی دیگر از ویژگیهای امام صادق علیه السلام زمان شناسی و درایت ایشان در مقابل دشمنان برای حفظ جان مسلمین است. به نمونه هایی از این زمان شناسی حضرت توجه کنید.

۱ - ابو مسلم و امام صادق علیه السلام؛

وقتی ابو مسلم خراسانی با بنی عباس درگیر شد به امام صادق علیه السلام نامه نوشت که من مردم را به سوی شما دعوت کرده ام و آنها اعلام آمادگی کرده اند،

۱- الملل و النحل، جلد ۱ صفحه ۱۶۶، موسوعة المصطفى والعترة، جلد ۹ صفحه ۳۷۴.

اکنون شایسته است که شما حکومت را بپذیرید. حضرت علیه السلام در جواب فرمودند:
« ما أنت من رجالي ولا الزمان زماني »^(۱).

نه تو از یاران و اصحاب من هستی و نه اینکه زمان، زمان مناسبی است. به لحاظ شخصیتی ابو مسلم با حجاج بن یوسف تفاوتی ندارد. او نیز انسان‌های بی‌گناه زیادی را به قتل رسانید. در بعضی از تواریخ نقل شده که ۶ هزار انسان را به قتل رسانید^(۲).

این شخص از امام علیه السلام دعوت به حکومت می‌کند. آن زمان برای امام صادق علیه السلام بدترین شرایط فرهنگی و سیاسی را به وجود آورده بود. بنی امیه ۱۰۰۰ ماه حکومت کردند (حدود ۸۰ سال) حضرت ۱۰ خلیفه بنی امیه و بنی مروان (از عبدالملک مروان تا مروان حمار که آخرین خلیفه بود را درک فرمودند. حضرت علیه السلام تمام این مدت را با خون دل خوردن صبر کردند. در سال ۱۴۷ هجری قمری که سال آخر عمر امام علیه السلام است منصور دوانیقی از محبوبیت امام صادق علیه السلام به خود لرزید؛ لذا به مدینه آمد و امام علیه السلام را احضار کرد و با لحن تندی با امام صحبت کرد و گفت:

« يا عدو الله ! إتخذك أهل العراق إماماً يجبون إليك زكاة أموالهم وتلحد في سلطاني وتبغني الغوائل قتلني الله إن لم أقتلك »^(۳).

ای دشمن خدا!!! مردم عراق تو را امام می‌پندارند و به تو زکات می‌دهند و به حکومت من پشت کرده‌اند. و علیه من آشوب می‌کنی خدا مرا بکشد اگر تو را نکشم.

۱- از منابع اهل سنت: الملل والنحل، جلد ۱ صفحه ۱۵۴ و منابع المودة، جلد ۳ صفحه ۱۶۱.

۲- از منابع اهل سنت: سیر اعلام النبلاء، جلد ۶ صفحه ۴۸ و لسان المیزان، جلد ۳ صفحه ۴۳۶.

۳- کشف الغمة، جلد ۲ صفحه ۳۷۱، شرح احقاق الحق، جلد ۱۲ صفحه ۲۴۳.

و در ادامه کلمات زشت و اهانت آمیزی را نسبت به امام علیه السلام بر زبان آورد. یکی دیگر از ادله دشمنی و اهانت دشمنان اهل بیت علیهم السلام کینه دیرینه آنها می باشد؛ آنان چون از نظر دانش افرادی تهی دست بودند و متخلّق به اخلاق حسنه نبودند؛ لذا در بین مردم مقبولیت نداشتند. در مقابل اهل بیت علیهم السلام سرشار از علم، فضیلت و منقبت بوده و متخلّق به اخلاق انسانی بودند و به همین جهت بین مردم دارای محبوبیت فراوان بودند. همین امر سبب می شد که دشمنان وجود ایشان علیهم السلام را تحمل نکنند.

۲- ابن مهاجر و امام صادق علیه السلام؛

منصور برای اینکه بتواند نقطه ضعفی از امام علیه السلام به دست بیاورد شخص زیرکی به نام ابن مهاجر را اجیر کرد و به او پول زیادی تحویل داد که به مدینه برود و به عنوان دوستدار و شیعه مخلص پولها را بین سادات فرزندان پیامبر پخش کند و بگوید: این حقّ شما است که من برایتان آورده‌ام. همچنین به او دستور داد که بعد از سفر گزارش این کار را به او بدهد. این شخص در مدینه خدمت امام علیه السلام رسید ولی امام صادق علیه السلام پولها را نپذیرفتند و فرمودند: ما به پول تو نیازی نداریم. با اینکه این شخص با عنوان شیعه خاص خدمت حضرت علیه السلام رفته بود ولی امام علیه السلام با علم امامت حیلۀ او را دریافتند و نقشه او را نقش بر آب کردند^(۱). ابن مهاجر که در مقابل امام علیه السلام کاری از پیش نبرده بود، پولها را بین عده‌ای تقسیم کرد. امام علیه السلام وقتی از این مطلب مطلع شدند او را

۱- چه جرم و جنایتهایی نسبت به بنی الحسن روا داشت. که اگر امروز یکی از این افراد در جامعه امروزی حضور داشتند و ابزار امروزی را دارا بودند کاری بدتر از هیتلر را انجام می دادند و نسل بشریت را منقرض می کردند.

طلبیدند و به او فرمودند:

إتق الله ولا تغرّ أهل بيت محمد صلى الله عليه وآله فاتّهم قريبوا العهد بدولة بني مروان وكلّهم محتاج؛

تقوای خدا را پیشه کن و اهل بیت پیامبر صلى الله عليه وآله را فریب نده به درستی که آنها هم عصر دولت بنی مروان بوده‌اند و همه محتاج هستند. همین ابن مهاجر می‌گوید این گزارش را به منصور تحویل دادم، ناگهان رنگ از رخسار منصور پرید و اینجا بود که این سخن را گفت که:

«أته ليس من أهل بيت إلا وفيه محدث، وجعفر بن محمد محدثنا اليوم»^(۱).

در میان اهل بیت همیشه محدثی بوده و جعفر بن محمد عليه السلام امروز برای ما حدیث می‌گوید.

بعد هم به ابن مهاجر گفت: حق نداری این سخنان را در جایی مطرح کنی و گر نه جان خود را از دست می‌دهی. او هم تا پایان حیات منصور جرأت افشای ماجرا را نیافت.

نمونه‌ای از خفقان شدید آن زمان؛

امام عليه السلام سالها در «حیره» تحت نظر بودند به طوری که حتی شیعیان نمی‌توانستند سؤالات خود را از ایشان بپرسند. برای نمونه شخصی زن خود را سه طلاقه کرد ولی حکم سه طلاق، طبق مذهب شیعه را نمی‌دانست. به حیره

۱- کافی، جلد ۱ صفحه ۴۷۵.

آمد تا از امام ع سؤال کند. هر حيله‌ای که به کار بست تا با امام ع ملاقات کند موفقیت‌آمیز نبود. در نهایت خیار فروشی را سر کوچه دید. میوه‌ها و لباس‌های او را خرید و به عنوان خیار فروش به داخل کوچه آمد. ناگهان امام ع درب منزل را به عنوان خرید میوه باز کردند و به آن شخص فرمودند: خوب حيله‌ای به کار بردی، طلاق تو باطل است و می‌توانی با آن زن به زندگی ادامه دهی^(۱). وضع آن زمان چنین بود ولی امام صادق ع در همین وضع هم اسلام را زنده فرمودند.

امام صادق ع و نام پیامبر ص؛

انس بن مالک نقل می‌کند: امام صادق ع در میان زهاد و علماء نظیر نداشت. بعد امام صادق ع را این گونه توصیف می‌کند:

« طیب المجالسة كثير الفوائد ، فإذا قال : قال رسول الله ص ، اخضرّ مرة واصفرّ اخرى حتى ينكره من كان يعرفه »^(۲).

مجالست با او نیکو بود و پر فایده، هرگاه می‌گفت: قال رسول الله ص رنگ چهره‌اش تغییر می‌کرد تا جایی که برای آنان که او را می‌شناختند، ناشناخته می‌شد.

این نوع ادب از شخصیتی مثل امام صادق ع از این نکته پرده بر می‌دارد که پیامبر ص با فرزندانش ع وحدت روحی دارند و همه برای رسیدن به یک هدف فعالیت می‌کردند.

۱- بحار الأنوار، جلد ۴۷ صفحه ۱۷۱.

۲- بحار الأنوار، جلد ۴۷ صفحه ۱۶.

فعالیت امام در تربیت شاگردانی بزرگ؛

یکی از بزرگترین خدمات امام صادق علیه السلام تربیت بزرگانی در زمینه فقه، کلام و سایر علوم بود. افرادی مانند زراره، محمد بن مسلم، و معاویه بن وهب همه از شاگردان امام صادق علیه السلام بودند. علامه حلی در رجال خود حدود ۴۰۰۰ هزار شاگرد برجسته برای امام علیه السلام نام برده است. در چنین شرایط سختی هم خود امام علیه السلام مقاومت می‌کردند و هم یاران با وفایی داشتند که از هیچ چیز، ترس و واهمه نداشتند و با تمام مشکلات کرسی تدریس را رها نمی‌کردند. حدود صد هزار روایت در کتب فقهی، کلامی، اعتقادی و اخلاقی شیعه جمع آوری شده که حدود سه چهارم این روایات به نقل از امام صادق علیه السلام و امام باقر علیه السلام می‌باشد.

نمونه‌ای از عبادت حضرت؛

امام صادق علیه السلام سرشار از معرفت خداوند بودند. وقتی سوره حمد را تلاوت می‌فرمودند و به آیه **﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾** می‌رسیدند آن را بسیار تکرار می‌کردند. در نقلی آمده است:

« ما زلت أردد الآية على قلبي حتى سمعتها من المتكلم بها »^(۱).

آنقدر این آیه را بر قلبم گذراندم تا جایی که آن را از گوینده آن شنیدم.

« والسّلام عليكم ورحمة الله وبركاته »

۱- شرح احقاق الحق، جلد ۲۸ صفحه ۳۴۸، رسائل الشهيد الثاني، صفحه ۱۴۱.

خودآزمایی؛

- ① پنج وصف از اوصاف مؤمنین که در روایت ابی عمر آمده را بیان کنید.
- ② از نظر امیرالمؤمنین علیه السلام کسی که در رکاب شخص بی ایمان به جهاد برود چگونه مرگی دارد؟
- ③ دو نمونه از اقوال مخالفین امام صادق علیه السلام را در بیان فضایل حضرت بیان کنید.
- ④ امام در پاسخ ابو مسلم که از حضرت برای حکومت دعوت کرده بود چه فرمودند؟
- ⑤ شیعیان مسایل خود را چگونه از امام صادق علیه السلام دریافت می کردند؟
- ⑥ مختصری در مورد فعالیت علمی امام صادق علیه السلام توضیح دهید.
- ⑦ شرایط زندگی زمان امام صادق علیه السلام را به اختصار بیان کنید.
- ⑧ کتابی که نام اصحاب و شاگردان امام صادق علیه السلام را ثبت کرده است، چه نام دارد؟
- ⑨ واکنش امام صادق علیه السلام هنگام بردن نام پیامبر صلی الله علیه و آله چگونه بود؟
- ⑩ نمونه‌ای از حالات عبادی امام صادق علیه السلام را ذکر کنید.
- ⑪ ابو مسلم خراسانی چگونه فردی بود؟

برخی از ما شیعیان به گمان نادرست خویش
چنین می‌پنداریم که از این امام بزرگوار علیه السلام
شناخت کافی داریم. تنها چیزی که ما از ایشان
می‌دانیم این است که رئیس مذهب شیعه
می‌باشند. ولی آیا می‌دانیم که امام علیه السلام با چه
سختی و مشقتی دین را زنده کردند و قوام
بخشیدند؟ آن هم در زمانی که دین گرفتار
فراموشی و نسیان شده بود. با توّرق در کتب
فقهی در می‌یابیم که احادیث فقهی منقول از
سید الشهداء و امام مجتبی علیه السلام بسیار نادر است
و یا اصلاً موجود نیست و این روند تا اواخر عمر
مبارک امام باقر علیه السلام ادامه داشت حال اینکه
چگونه امام صادق علیه السلام دین را زنده کردند،
سؤالی قابل دقت است. امام صادق علیه السلام را باید
از دید مخالفین ایشان شناخت.

(صفحه ۹ از همین جزوه)

- محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت:
ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.
- شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می‌باشد.
- در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن
همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

محل برگزاری جلسات:

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یشربی رحمته الله علیه

تلفن: ۴۴۴۴۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷_۴۴۴۹۹۳۳ نمابر: ۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

www.yasrebi.ir

به سوی معرفت ۶۹

۲